



▲ ولادیمیر ناستیچ (سمت راست) در کنار دو پژوهشگر دیگر در حوزه آثار باستانی

نیشابوری در ترکستان و نقش وی در اسلام‌پذیری قراخانیان است؛ روایتی که به کرات در پژوهش‌های مربوط به تاریخ سامانیان تکرار شده است.

+

۲. مسکوکات به منزله شاهدی بر نفوذ اسلام نزد ترکان

مسکوکات و خطوط به کار رفته در آن‌ها سواى ارزش اقتصادی، همواره شاهدی بر گرایش‌های دینی دودمان‌های حکومتگر بوده‌اند و با بررسی تطبیقی آن‌ها، می‌توان به آگاهی‌هایی درباره شرایط اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه یا قلمرو سیاسی خاص در یک برهه زمانی ویژه دست یافت. از نخستین سال‌های فرمانروایی قراخانیان بر سرزمین‌های کرانه خاوری سیردریا تا حدود ترکستان و سرحدات چین، مسکوکاتی با طراز چینی و نوشته‌هایی به خط کوفی باقی مانده است. دیمیر ناستیچ در سال ۱۹۸۷ میلادی برای نخستین بار به معرفی این گونه از سکه‌ها پرداخت^{۱۱} و آن‌ها را «سکه‌های اسلامی تیپ گش» نامید. ناگفته نماند که گش به مسکوکات باستانی رایج در چین و شرق آسیا گفته می‌شود که شکل دایره‌ای با حفره مربعی شکل در وسط است.^{۱۲} در چهار طرف حفره میانی سکه‌های اسلامی تیپ گش، عباراتی به خط کوفی دیده می‌شود. بنا به خوانش ناستیچ، واژگانی نظیر «ملک»، «آرام» (آزار یا اوزار)، «بینال» و گویا «محمد» در چهار سوی این سکه‌ها درج شده است.^{۱۳} همگی این مسکوکات در سرزمین‌های پیرامون هفت‌آب (پتی سو)، از جمله تلغرو بورانا، یافت شده‌اند.

شماری از پژوهشگران، این سکه‌ها را به اوایل کار قراخانیان و حتی روزگار پیش از برآمدن قراخانیان نسبت داده‌اند، اما عبارات کوفی سکه‌ها شاید بتوان آن‌ها به سال‌های پس از قدرت‌گیری عبدالکریم بغراخان نسبت داد. محققان غربی و از جمله ناستیچ به محدوده زمانی قرن دهم میلادی (چهارم هجری) اشاره کرده‌اند. می‌توان عبارات کوفی این سکه‌ها را به صورت «ملک آرام بینال قاراج» قرائت کرد. با پذیرش محتاطانه این پیش‌فرض که کاربرد

وی از سوی زمین‌ذکر می‌شوند که در نوع خود جالب توجه هستند. واپسین بخش از روایت تذکره بغراخان درباره تلاش‌های ستوق بغراخان در امر جهاد و گسترش دین اسلام نزد ترکان است؛ بر این اساس، ستوق بغراخان که از سن دوازده‌سالگی به غزاش مشغول بود، در تابستان (بازبلیقدا) به جهاد علیه کفار رفته و در زمستان (قیش لیقدا) به طاعت و عبادت خدای تعالی می‌پرداخت؛ وی تا سن ۹۶ سالگی، از کرانه آمودریا تا حدود دیار «کراک» که محل خورشیدبرآمدن (گون قیش کراک دیگان) بود و نیز تا سرزمین «قراقوردوم» در شمال، پیوسته در حال جهاد با کفار و دعوت آنان به شریعت اسلام بود.^{۱۴} با این‌که نمی‌توان درباره تأثیرپذیری تذکره بغراخان از روایت قرشی به قطعیت سخن گفت و حتی برخی از شواهد مندرج در تذکره بغراخان، مانع از طرح چنین فرضی می‌شوند؛ شباهت‌های دو نوشتار، نشانگر بهره‌گیری هر دو آن‌ها از یک منبع و یا حتی کلان‌روایت واحد هستند.

در پایان گفتار حاضر، شایسته است تا یکی از دیدگاه‌های بارتولد راجع به روند نفوذ اسلام در میان ترکان دشت‌های ترکستان ارزیابی شود؛ دیدگاهی که تا اندازه زیادی با ماجرای اسلام‌پذیری قراخانیان نیز پیوند دارد. بارتولد به هنگام وصف نفوذ کیش اسلام در میان صحرائشینان دشت‌های آسیای مرکزی، چنین تحلیلی را درباره جایگاه اسلام نزد ایشان ارائه می‌دهد:

صحرائشینان بدون اینکه اعراب از شمار ایشان مستثنی شوند- اسلام را بصورت رسمی آن، یعنی تعالیم علمای مسلمان، همیشه دینی می‌شمردند که بکلی با حوایج و نیازمندی‌های ایشان مغایرت داشته و قابل انطباق نبوده. شیوخ و دیگر عرفای اسلامی، که هنوز هم در دشت بیش از دیگران پیرو دارند،^{۱۵} در آن زمان هم به مراتب بیشتر از [علمای مزبور] نفوذ داشتند.^{۱۶}

وی سپس جهت تأیید این دیدگاه که عاری از نگاه‌های شرق‌شناسانه نیست، به گزارشی از کتاب الانساب عبدالکریم سَمَعانی (وفات ۵۶۲ق.) استناد و از شخصی نیشابوری به نام «ابوالحسن محمد الگلماتی نیشابوری» یاد کرده است که در نیمه نخست سده چهارم هجری به خدمت «خان خانان» درآمد و پیش از سال ۳۵۰ قمری در دربار وی زندگانی را بدرود گفت.^{۱۷} این گزارش بارتولد نزد پژوهشگران ایرانی و غیرایرانی مقبولیت فراوان یافت و حتی پژوهشگری همچون ریچارد نلسون فرای در گفتار «سامانیان» در مجلد چهارم تاریخ ایران کمبریج، بدون ذکر نام بارتولد و تنها با استناد به مدخل «الگلماتی» در کتاب الانساب، بار دیگر این روایت را تکرار کرد.^{۱۸} با این حال، با مراجعه به اصل کتاب سمعانی و مدخل «الگلماتی»، روشن می‌شود که سخنی از عزیمت ابوالحسن الگلماتی به دربار «خان خانان» نیست و وی تنها پس از اقامت چندساله در بخارا، راهی «جُوَزجانان» شد و نزد سلاطین آن دیار ماند تا اینکه سرانجام پیش از سال ۳۵۰ قمری در آنجا درگذشت.^{۱۹} ناگفته نماند که بارتولد که خود از نسخه چاپ مارگولپوس الانساب سمعانی بهره برده، به تحریف‌های موجود در آن پی برده و در پانوشتی بدان اشاره کرده است.^{۲۰} چنین می‌نماید که ایراد یادشده به علت تفاوت‌های موجود در نسخ خطی، به نسخه چاپی مورد استناد بارتولد راه یافته و بعدها همین تحلیل، مقبولیت عام یافته است. البته طرح این بحث به معنای رد یا تأیید کامل دیدگاه بارتولد نیست، بلکه تردید درباره اصلت فعالیت‌های ابوالحسن الگلماتی

ستوق بغراخان که از سن دوازده‌سالگی به غزاش مشغول بود، در تابستان به جهاد علیه کفار رفته و در زمستان به طاعت و عبادت خدای تعالی می‌پرداخت.